

گزارش یک

نگاهی به چرایی کاهش قدرت رقابت تولیدات داخلی با تولیدات خارجی

همراه شو عزیز

سیدفخرالدین موسوی

مؤلفه‌هایی چون کیفیت کالا و کار آیی آن نسبت به ایرانی بودن آن کالا نیز حساس باشیم؛ یعنی آنکه در هنگام خرید کالا تنها به استفاده شخصی خود نیندیشیم؛ بلکه به این فکر کنیم که خرید حتی یک کالا می‌تواند به گردش اقتصاد کشور کمک کند. به این فکر کنیم اگر ما محصول تولیدشده در خارج از مرزهای کشورمان را خریداری کنیم، در حقیقت یک فرصت شغلی که متعلق به جوان ایرانی است را در خطر از بین رفتن قرار داده‌ایم؛ نگرشی که متأسفانه در میان مردم بسیار ضعیف است و عموماً نه‌تنها این‌گونه نمی‌اندیشیم؛ بلکه اصرار بیجایی نیز به خرید کالاهای خارجی داریم. فرهنگی که لاجرم نتیجه‌اش می‌شود همین اخباری که درباره کارخانه ارج در رسانه‌ها منتشر شده است.

معضل مدیریت

اقتصاددانان کشور بارها و بارها بر این مسئله تأکید کرده‌اند که تصدی‌گری دولت در حوزه اقتصاد سسمی مهلک برای کشور است و رهبر معظم انقلاب نیز مکرر در مکرر به اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی‌سازی) تأکید کرده‌اند؛ اما همچنان شاهد آن هستیم که دولت در جایگاه بزرگ‌ترین بنگاه اقتصادی، صنایع و کارخانه‌های مختلف کشور را به



مسخ نابودی می‌برد که نمونه بارز آن نیز همین کارخانه ارج و سرنوشت آن است که توسط مدیران دولتی حقوق‌بگیری آن را اداره می‌کردند که بعضاً هیچ سرشته‌ای در این امر نداشتند. از دگر سو بهره‌های بالای بانکی، فرهنگ غلط مصرف و ... هم در این موثرند.

فقدان عزم ملی

فراتر از همه مسائلی که مطرح شد، یک علت عللی وجود دارد که سبب شده است سال‌های سال حرف‌هایی از این دست در رسانه‌ها نوشته شود، در تریبون‌ها گفته شود ولی تغییری در عمل حاصل نشود و آن دلیل اصلی نبود یک تصمیم جمعی و عزم ملی است. این عزم هم در میان برخی از مسئولان و صاحب‌منصبان در دولت، مجلس و سایر نهادهای کشور وجود ندارد و بیش از آنکه به

تلاش برای پیشرفت و خوداتکایی در اقتصاد توجه شود نگاه‌ها به بیرون مرزها و مذاکرات مختلف است و هم در بخش‌های جامع متأسفانه ما این رویکرد را نمی‌بینیم که به دنبال این باشند که با خرید کالای ایرانی تولید داخل و در واقع اقتصادی که با زندگی خودشان در ارتباط است کمک کنند، ما پیش از هر موضوع دیگری به یک عزم ملی و به یک تصمیم برای بازسازی اقتصاد کشور نیاز داریم. تا زمانی که برای این درد مشترک تصمیمی مشترک اتخاذ نشود، تلاش‌های منفرد بدون حمایت همگانی نمی‌تواند اوضاع را دگرگون سازد. پس بهتر است هر یک از ما در هر جایگاه و منصبی که هستیم از خودمان بپرسیم، آیا وقت آن نرسیده است که تصمیم بگیریم و شرایط را تغییر دهیم؟

نیم نگاه

تروریستی که رئیس کمیته ضد تروریسم شد

ایوذر احمدی

توجهات بین‌المللی فراهم می‌کند.

دوم، در شرایطی که پروژه داعش شکست خورده و جریان مقاومت، پذیرخوانده‌های صهیونیستی - سعودی آنها را مستأصل کرده است، مقامات غربی به نمایندگی از اربابان صهیونیست خود، یک صهیونیست را به ریاست کمیته به اصطلاح «مبارزه با تروریسم» سازمان ملل برمی‌گزینند تا با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی این کمیته، گروه‌های مقاومت را تروریست خوانده و به زعم خود یک جهمه بین‌المللی برای مقابله با جریان مقاومت به وجود آورند. سوم، حال که یک فرد صهیونیستی بر مسند ریاست کمیته قضایی سازمان



ملل نشسته است، کشورهای غرب اروپا و کشورهای استرالیا، نیوزیلند، ترکیه و پنج کشور دیگر، رژیم صهیونیستی را برای ریاست کمیته مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد نامزد کرده بودند. طبق روال معمول، ریاست کمیته مذکور میان گروه‌ها دست به دست می‌چرخد. سال جاری نوبت گروه غرب اروپا بوده است که رژیم صهیونیستی را نامزد ریاست این کمیته کرده است.

کمیته قضایی مجمع عمومی سازمان ملل افزون بر مسئولیت مبارزه با تروریسم بین‌الملل، مسئول نظارت بر قانون‌مداری در عرصه داخلی کشورها و عرصه بین‌المللی است و از شیوه‌های مبارزه با تروریسم و برخی پروتکل‌های توافقنامه ژنو حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه حمایت می‌کند. فردی نمایندگی این کمیته را به عهده گرفته است که سمت‌هایی، چون جانشینی وزیر جنگ اسرائیل، عضویت در هیئت‌مدیره آژانس جهانی یهود، مسئول اجرایی سازمان جهانی صهیونیسم و ... را در کارنامه کاری خود دارد. حال در ورای این انتخاب پیامدهایی برای مقامات صهیونیستی و حتی منطقه وجود دارد که پرداختن به آنها ضرورت می‌یابد.

نخست، انتخاب نماینده رژیم صهیونیستی به سمت ریاست کمیته «مبارزه با تروریسم» سازمان ملل پیش از هر چیزی، موجب تشویق مقامات غاصب صهیونیستی به ادامه سیاست‌های تروریستی‌شان علیه ملت مظلوم فلسطین شده و فضا را برای سرکوب هر چه بیشتر مقاومت فلسطین، آن هم در سایه

گزارش دو

گزارش هشداردهنده صبح صادق به بهانه تجمعی در غرب پایتخت

خواب بی‌پایان

منصوره خداوردی

به صدا در آمدن دومینووار هشدارها در فضای اجتماعی و فرهنگی، کی خواب سنگین ما را خواهد پراند؟ اگر چه گروه‌های اقتصادی همچون رکود اقتصاد و قس‌علی‌هذا یکی از موضوعات مهم کشور است و از مهم‌ترین دستورهای کار نظام اسلامی به شمار می‌آید؛ اگر چه مسائل سیاست خارجی و اینکه جریان مذاکره با غرب و مسئله استکبارستیزی و... چگونه رقم می‌خورد، به دلیل آنکه ادامه مسیر انقلاب و تحقق آرمان‌های نظام اسلامی در گرو امتداد روحیه انقلابی و استکبارستیزی بسیار، بسیار مهم است، اما مهم‌تر و اساسی‌تر از مسئله اقتصاد و پیش‌شرط ادامه پیگیری مطالبات انقلابی در جامعه؛ توجه به فرهنگ، مسائل اجتماعی و در رأس آن سبک زندگی است.

تجمع صدها نوجوان متولد دهه ۸۰ در یک مجموعه تجاری - تفریحی در غرب تهران یکی از آخرین هشدارهایی است که آشکارا در برابر چشم ما قرار گرفته است. آمار روابط خارج از عرف و دوستی دختران و پسران دانش‌آموز که از سوی تعدادی از کارشناسان حوزه اجتماعی منتشر شد، آمار بالای دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای در نقاط مختلف کشور، آنچه در جریان درگذشت یک خواننده جوان پاپ در تهران رخ داد، رشد تصاعدی بدبوششی و ورود به مرحله بی‌حجابی در کلان‌شهرها، تأکید مقامات ذی‌صلاح و ابراز نگرانی دلسوزان فرهنگی از افزایش مصرف مشروبات الکلی در کشور، تجمعات خارج از عرف و همراه با هنجارشکنی‌هایی مانند جشن آب‌بازی در تهران و کرج تنها بخشی از نشانه‌هایی است که هر یک می‌تواند نشان‌دهنده تغییرات در فرهنگ و دگرگونی در سبک زندگی میان بخش زیادی از مردم باشد؛ تغییر سبک زندگی که می‌توان آن را نتیجه ناگزیر همان ولنگاری فرهنگی دانست که رهبر معظم انقلاب به تازگی و در دیدار نمایندگان دهمین دوره مجلس شورای اسلامی به آن اشاره کردند.

متأسفانه ولنگاری ناشی از بی‌انگیزگی و بی‌همتی برخی از مسئولان کنونی و گذشته در این حوزه است، گویی نوعی مسامحه و بی‌تفاوتی در زمینه مسائل فرهنگی در بین آنها وجود دارد و حتی متأسفانه گاهی، نگاه‌های انتخاباتی بر این فضا و تصمیم‌گیری‌ها در حوزه فرهنگ غالب می‌شود. به همین دلیل است که شاهدیم سال‌های سال قانون عفاف و حجاب معطل مانده و برخی منصب‌نشینان، نه تنها به تکالیف قانونی خود عمل نمی‌کنند، بلکه انجام وظیفه سایر نهادهای مسئول از جمله نیروی انتظامی در این حوزه را نیز زیر سؤال می‌برند.

در نتیجه همین ولنگاری فرهنگی است که روزهایی که گسترش استفاده از ماهواره آغاز شده بود و هر روز یک شبکه فارسی‌زبان تأسیس می‌شد و بشقاب‌های ماهواره روزبه‌روز بر پشت‌بام خانه‌های بیشتری خودنمایی می‌کردند، کمتر اقدام مؤثری برای مقابله با این تهاجم صورت گرفت! به طوری که به جرئت می‌توان گفت، امروز در بین تعداد زیادی

از خانواده‌های ایرانی تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای به موضوعی عادی تبدیل شده است و آثار تماشای این شبکه‌ها در فضای اجتماع از نوع پوشش، مصرف الکل تا مسائل خانوادگی و... کاملاً محسوس است؛ ولنگاری‌ای که حتی در مراکز و نهادهای فرهنگی منتسب به نظام نیز که به طور مستقیم تصمیم‌گیر هستند قابل ملاحظه است، صدور پروانه ساخت و اکران گسترده در بهترین شرایط فروش برای فیلم‌هایی کاملاً متضاد با هنجارهای اسلامی و ایرانی مردم ایران که در آخرین نمونه آن می‌توان به نمایش فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» اشاره کرد که اعتراض مراجع عظام تقلید را نیز در پی داشت.

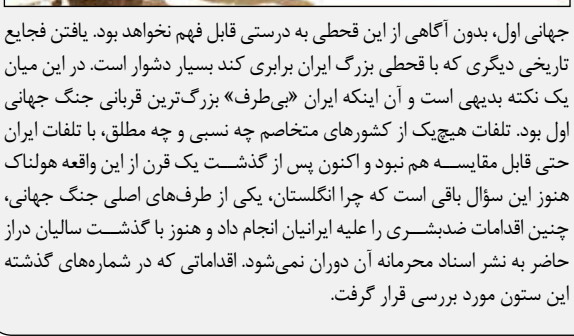
دریچه

صبح صادق هولوکاست انگلیس علیه ایرانیان را بررسی می‌کند (۹۸)

کاهش جمعیت تهران روشن‌گرترین شاخص قربانیان قحطی

گردآوری: اکبر کریمی

که کارگران ایرانی «بالاترین دستمزدها را در جهان می‌گرفتند.» او در ادامه آورده است: «غالباً اشاره می‌شود که با در نظر گرفتن بازده، کارگر ایرانی بالاترین دستمزد را در جهان دارد. مثلاً یک کارگر ایرانی به طور متوسط شاید تا چهار قران در روز دستمزد بگیرد که با توجه به نرخ برابری کنونی ارز، این مبلغ مساوی با ۷۵ سنت طلاست...» قحطی سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ در ایران یکی از بزرگ‌ترین قحطی‌های تاریخ و بی‌شک بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ ایران است. مسلماً درک تاریخ ایران پس از جنگ جهانی اول، بدون آگاهی از این قحطی به درستی قابل فهم نخواهد بود. یافتن فجایع تاریخی دیگری که با قحطی بزرگ ایران برابری کند بسیار دشوار است. در این میان یک نکته بدیهی است و آن اینکه ایران «بی‌طرف» بزرگ‌ترین قربانی جنگ جهانی اول بود. تلفات هیچ‌یک از کشورهای متخاصم چه نسبی و چه مطلق، با تلفات ایران حتی قابل مقایسه هم نبود و اکنون پس از گذشت یک قرن از این واقعه هولناک هنوز این سؤال باقی است که چرا انگلستان، یکی از طرف‌های اصلی جنگ جهانی، چنین اقدامات ضدبشری را علیه ایرانیان انجام داد و هنوز با گذشت سالیان دراز حاضر به نشر اسناد محرمانه آن دوران نمی‌شود. اقداماتی که در شماره‌های گذشته این ستون مورد بررسی قرار گرفت.



مقابله با مهم‌ترین مسئله در حوزه فرهنگی که همان گسترش بی‌قاعده شبکه‌های اجتماعی است، دیده می‌شود! نظارت نکردن درست بر شبکه‌های اجتماعی، غلبه نگاه سیاسی بر خردورزی فرهنگی در سامان دادن فضای مجازی، کم‌کاری در ایجاد نرم‌افزارها و فضاهای مجازی جایگزین داخلی، رصد نشدن دقیق این فضا از سوی نهادهای مسئول، بی‌برنامگی و انفعال مراجع تصمیم‌گیر، از جمله شورای عالی فضای مجازی با وجود تأکیدات ویژه رهبر معظم انقلاب و موارد بسیار دیگری

که اگر بخواید با همین روال ادامه پیدا کند، مشخص نیست چه آینده فرهنگی را برای کشور و متولدان دهه نود و دهه‌های آتی به همراه خواهد داشت. واقعیت این است که با وجود همه تلاش‌های شبانه‌روزی دشمنان ملت ایران برای تغییر فرهنگ و سبک زندگی ما و با وجود همه سهل‌انگاری‌ها و بی‌تدبیری‌ها که در حوزه فرهنگ در طی سال‌های

گذشته تا به امروز رخ داده است، همچنان قاطبه مردم ایران و به ویژه نسل جوان کشور را جوانان مؤمن و انقلابی تشکیل می‌دهند که افق روشنی در برابر ایران اسلامی قرار داده‌اند؛ اما نمی‌توان کتمان کرد و منکر شد که اگر ما همچنان غفلت‌زده در حوزه فرهنگ حرکت کنیم و نقطه پایانی برای بی‌تفاوتی‌ها و سهل‌انگاری‌ها در حوزه فرهنگ قائل نشویم، نگرانی‌های جدی درباره شرایط فرهنگی کشور و چگونگی زیست نسل‌های آینده کشور مطرح خواهد شد؛ نگرانی‌هایی که اگر چه از حوزه فرهنگ آغاز می‌شود، اما در این حوزه متوقف نخواهد ماند و می‌تواند سرنوشت یک ملت و یک کشور را دستخوش تغییر کند.